

بازگشت به صفحه اصلی

**گفت‌وگوی «جوان» با خانواده شهید مفقودالثر علی‌اکبر آخوندی که پیش از شروع دفاع مقدس در کردستان به شهادت رسید**

# جنایت ضدانقلاب باعث ۴۱ سال چشم‌انتظاری ما شد

فاطمه ملکی

وقتی می‌خواهی به پدر و مادر شهید مفقودالثر زنگ بزنی خیلی باید احتیاط کنی، چون آنها منتظر هستند؛ منتظر یک زنگ، یک پلاک، یک نشان و حتی یک تکه استخوان از فرزندشان. اگر اسم شهید را بیآوری دلشان آشوب می‌شود که نکند خبری از فرزندشان داری. صبوری می‌کنند تا خوب خودت را معرفی کنی بعد از دقایقی می‌فهمند که باز هم خبری از شهیدشان نداری، بغض می‌کنند و می‌گویند از انتظار ۴۱‌ساله. انتظاری که حتی فکر کردن به یک ساعت آن سخت است چه برسد به اینکه این انتظار به ۴۱ سالگی برسد.
گروهبان ۲سرباز شهید جاویدالثر «علی‌اکبر آخوندی» متولد فروردین ۱۳۳۹از شهدای مفقودالثر کشورمان است. وی اردیبهشت ۱۳۵۹ روزهای آخر خدمت سربازی را در لشکر ۲۱ حمزه سپری می‌کرد تا اینکه در غائله کردستان توسط گروهک دموکرات به اسارت گرفته شد و سپس به شهادت رسید. در طول ۴۱ سال هیچ اثری از شهید به دست خانواده‌اش نرسیده است. **گفت‌وگوی ما با خانواده شهید آخوندی را پیش رو دارید.**

آواره کوچه‌ها

صغری ملکی مادر شهید جاویدالثر «علی‌اکبر آخوندی» سه‌سالگی است که سکنه کرده و به راحتی نمی‌تواند کلمات را ادا کند. اما با شنیدن نام فرزندش بغض می‌کند و می‌گوید: سه‌پسر داشتم و دو دختر؛ علی‌اکبر متولد ۱۳۳۹ و دومین فرزندم بود که بعد از پیروزی انقلاب به خدمت سربازی رفت. خدمت او ابتدا در تهران بود. اما بعد در

درگیری‌های کردستان به آن منطقه رفت و دیگر برگشت. من و همسرم چند بار به سفر، یانه، دیواندره رفتیم تا بلکه خبری از علی‌اکبر بگیریم. حتی یک بار که به همراه همسر و برادرم محمود به دیواندره رفته بودیم، شب برای خوابیدن می‌ترسیدیم به پادگان برویم؛ آن شب در محله‌های دیواندره گشتیم و گشتیم و همانجا خسته شدیم و در یک کوچه سرمان را بر زمین گذاشتیم و خوابیدیم. دیواره که به پادگان سندج رفتیم به ما گفتند دموکرات‌ها علی‌اکبر و چند سرباز دیگر را به اسارت گرفته و آنها را سوزانده‌اند.

مادر شهید ادامه می‌دهد: در طول این ۴۱ سال چشمم به در است؛ در قدیم وقتی می‌خواستند وارد خانه‌ای شوند، با سنگ به در می‌زدند. سال‌هاست که شب‌ها موقع خواب احساس می‌کنم در خانه را با سنگ می‌زنند و از خواب بیدار می‌شوم و فکر می‌کنم علی‌اکبر آمده است. بعد می‌روم و می‌بینم خواب و خیال بوده است.

در طول این سال‌ها خیلی برای علی‌اکبر بیقراری کردم؛ پدر شهید تا اسم علی‌اکبر را می‌شنود یا بیکر شهیدی تشییع می‌شود، گریه می‌کند و به همین خاطر خیلی وقت‌ها بیمار است. من هم الان روی ویلچر می‌نشینم و زمین گیر شدم.

نان حلال کشاورزی

عباسقلی آخوندی پدر شهید علی‌اکبر بیان می‌کند: منزل ما در روستای کندرود اطراف قم است. در آنجا گندم‌زار داشتم و کشاورزی سنتی می‌کردم. گاهی برای کارگری به تهران می‌آمدم و یکی دو ماه در تهران کار می‌کردم و به روستا برمی‌گشتم تا یک لقمه نان حلال در سفره بگذارم. پسرمر در اخلاق و ایمان حرف نداشت؛ نوجوان بود و برابری برپایی هیبت پیشقدم می‌شد. شب‌های عاشورا تا صبح در مسجد می‌ماند.

وی ادامه می‌دهد: او از نوجوانی وارد حرفه خم‌کاری شد و در حدود ۶-۵ سال کارگر می‌شد. در آنجا گندم‌زار داشتم و کشاورزی سنتی می‌کردم. گاهی برای کارگری به تهران می‌آمدم و یکی دو ماه در تهران کار می‌کردم و به روستا برمی‌گشتم تا یک لقمه نان حلال در سفره بگذارم. پسرمر در اخلاق و ایمان حرف نداشت؛ نوجوان بود و برابری برپایی هیبت پیشقدم می‌شد. شب‌های عاشورا تا صبح در مسجد می‌ماند.

طراحی: سحر کرمی

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱														
۲														
۳														
۴														
۵														
۶														
۷														
۸														
۹														
۱۰														
۱۱														
۱۲														
۱۳														
۱۴														
۱۵														



ارتباط با ما ۸۸۴۹۸۴۸۱

بازگشت به صفحه اصلی

یادکرد



شهید حسین لشکری و ۱۸ سال مقاومت و ایستادگی

## مردی که با تسلیم شدن بیگانه بود

احمد محمد تیزی

مرداد که از نیمه می‌گذرد بیشتر از هر زمان دیگری یاد و خاطره آزادگان در ذهن‌مان نقش می‌بندد. آزادگان با بازگشت‌شان در ۲۶ مرداد ۱۳۶۹ فضای خاصی به کشور و شهرها بخشیدند و آن حلاوت و سرزندگی دوران دفاع مقدس را همراه خودشان آوردند. اما در میان آزادگانی که به کشور بازگشتند، سرنوشت یک آزاده با بقیه تفاوت داشت. آن آزاده کسی نبود جز حسین لشکری که قبل از شروع رسمی جنگ به اسارت دشمن یعنی در آمد و ۱۸ سال بعد و در سال ۱۳۷۷ به میهن بازگشت.

جوانی با قد و قامت رعنا شهید حسین لشکری در میان آزادگان بیشترین زمان اسارت را دارد. ۱۸ سال در اسارت دشمن بودن روی کاغذ هم عدد بزرگی است چه برسد به اینکه کسی بخواهد نزدیک به دو دهه را در سلول‌های انفرادی و زندان‌های سرد و تاریک دشمن بگذراند. شهید لشکری با صبوری ستودنی و مقاومت عجیب و مثال‌زدنی، توانست تمام سختی‌های اسارت را به جان بخرد و پس از سال‌ها دوری خانواده‌اش را ببیند. حسین لشکری از خلبانان زنده نیروی هوایی ارتش بود که با هواپیمای اف ۵ پرواز می‌کرد. او در آن سال‌ها جوانی با قد و قامت رعنا و بالا و ظاهری مردانه بود که با عشق زیادی با ماوریت‌هایش را انجام می‌داد. چند سال قبل از اسارت، ازدواج کرده بود و امید زیادی به روزهای آینده داشت. اما تجاوزه‌ای ارتش بعث در سال ۱۳۵۹، سرنوشت را به گونه‌ای دیگر برای حسین رقم زد و او را وارد کارزار مهم و حساس کرد.

شروع اسارت

پیش از شروع رسمی جنگ تحمیلی، یعنی‌ها از چند ماه قبل شیطن‌ت‌هایشان را در لب مرزها شروع کرده بودند و گاه و بی‌گاه به هر بهانه‌ای به مرزهای ایران حمله‌ور می‌شدند. ساکنان مناطق مرز نشین شاهد تجاوزها و حملات مکرر یعنی‌ها بودند و می‌دیدند که آنها با این کارشان عملاً با ایران وارد جنگ شده‌اند. با دیدن چنین وضعیتی شهید لشکری و دیگر خلبانان ارتش برای بررسی وضعیت ماوریت‌های مختلفی را انجام می‌دادند. حسین لشکری پس از انجام ۱۲ مأموریت،

شروع اسارت

پیش از شروع رسمی جنگ تحمیلی، یعنی‌ها از چند ماه قبل شیطن‌ت‌هایشان را در لب مرزها شروع کرده بودند و گاه و بی‌گاه به هر بهانه‌ای به مرزهای ایران حمله‌ور می‌شدند. ساکنان مناطق مرز نشین شاهد تجاوزها و حملات مکرر یعنی‌ها بودند و می‌دیدند که آنها با این کارشان عملاً با ایران وارد جنگ شده‌اند.

با دیدن چنین وضعیتی شهید لشکری و دیگر خلبانان ارتش برای بررسی وضعیت ماوریت‌های مختلفی را انجام می‌دادند. حسین لشکری پس از انجام ۱۲ مأموریت،

شروع اسارت

پیش از شروع رسمی جنگ تحمیلی، یعنی‌ها از چند ماه قبل شیطن‌ت‌هایشان را در لب مرزها شروع کرده بودند و گاه و بی‌گاه به هر بهانه‌ای به مرزهای ایران حمله‌ور می‌شدند. ساکنان مناطق مرز نشین شاهد تجاوزها و حملات مکرر یعنی‌ها بودند و می‌دیدند که آنها با این کارشان عملاً با ایران وارد جنگ شده‌اند.

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱									
۲									
۳									
۴									
۵									
۶									
۷									
۸									
۹									
۱۰									

بازگشت به صفحه اصلی

بازگشت به صفحه اصلی

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱														
۲														
۳														
۴														
۵														
۶														
۷														
۸														
۹														
۱۰														
۱۱														
۱۲														
۱۳														
۱۴														
۱۵														

خانواده ندارد. بالاخره اسم مدرسه روستا را به نام پسر شهید گذاشتند.

آرزوی دیدار بیکر برادر

زهرآ آخوندی خواهر شهید جاویدالثر «علی‌اکبر آخوندی» که در زمان شهادت برادرش ۱۰ ساله بود، می‌گوید: کم مانده بود که دوره خدمت سربازی برادرم تمام شود.

۱۲ روز به مرخصی آمد و یک روز صبح زود می‌خواست به پادگان افسریه تهران برود و بعد به کردستان اعزام شود.

موقع رفتن وقتی بند پوتینش را می‌بست، گفت مادر می‌روم و دیگر بر نمی‌گردم. مادرم گفت ننه! این چه حرفیه می‌زنی این طور نگو. علی‌اکبر گفت این یک واقیعت است وضعیت کردستان اصلاً خوب نیست. مادرم دلش آشوب شد و از روستا تا قم برادرم را همراهی



طراحی: سحر کرمی

از راست به چپ

۱- به فرموده پیامبر اسلام این‌امام معصوم پسر امام برادر امام و پدر نه امام بود- یکی از منابع مهم و کهن واقعه عاشورا و تاریخ زندگانی امام حسین (علیه‌السلام) ۲- بعین- در توانایی است- حرف موصولی ۳- تا کسی بر ظرفیت- لایه محافظ زمین- کشور باسوادان- آتش ۴- نام قدیم فردوس- بت مورد علاقه فریش- سرزمینی که عمر سعد برای رسیدن به آن واقعه خونین کربلا را رقم زد- جهان پهلوان ۵- از نام‌های خدا- سرزمین عمر مختار -از حواریون ۶- دیوار بلند- هر گز عرب زبان- یکی از سه شکل مسواد ۷- پنج آذری- از حروف مقطعه- شهری در و بیکر- علامت پیروزی ۸- فلز سرچشمه- یکی از سنت‌های دیرین و پسندیده شیعیان در ایام سوگواری اباعبدالله‌الحسین و یاران باوفایش- عدد منفی ۹- عدس میان تهی- امتداد فیزیکی- میلیون در صنعت برق- بستنی در فونبال ۱۰- دومین مذهب بزرگ پیروان دین اسلام- گاهی نماز را باطل می‌کند- وقت کار و تلاش ۱۱- یکتا- علم سرشماری- اولین عزادار امام حسین(ع) ۱۲- کنجد آرد شده- سپس عربی- قصدو نیت- موشک ضد تانک ۱۳- کوچه و برزن- کج و مایل- کمانگیر شاهنامه- ناراست ۱۴- میوه خوب- نمایشگاه دوسالانه- نشانه ۱۵- بین افریقا و اروپا واقع شده است

از بالا به پایین

۱- لقب امام علی(ع)- اولین جوان بی‌نهایتی که در روز عاشورا به میدان جنگ رفت و به شهادت رسید ۲- شیخ‌الانبیا- سوره امام حسین- اکیپ ۳- سفید آذری- از ارکان نماز- سرور ۴- سربش- کارزار- نزدیک‌ترین شهر به قله‌هاوند -خشکی ۵- سردار بزرگ غزه بدر- قوراء بدون تأخیر- خرس آذری ۶- از شهرهای شیعه‌نشین سوریه- ریمانی چندلایه- ستاره پروین ۷- عنصر شیمیایی- از هر دو طرف سوره قرآن است - یادداشت- صاحب کتاب‌الغدیر ۸- مردم قرآنی- طایفه‌ای که رسول گرامی اسلام از آن برخاست- آن سوی سسقف ۹- سال فضاوردان- علف خشک- دشمن سخت ۱۰- صفحات غیراصولی روزنامه‌ها- دوزخ- جامه بلند ۱۱- چهار شاخ خرمن بر یادده- کمک‌کننده- رودی که در کنار آن فرزندان رسول‌الله را با لب تشنه به شهادت رساندند ۱۲- جانشین او- افترا- شهری در استان فارس -غذایی که در دوران کودکی می‌خوریم ۱۳- از حیوانات- روغن- حرف‌فاصله ۱۴- قطب منفی- شهید مسیحی قیام امام حسین(ع)- پسوند بودگی ۱۵- از شهدای هستم‌ای- پسر کورش

بازگشت به صفحه اصلی



روزنامه جوان | شماره ۶۲۸۰

بازگشت به صفحه اصلی